

# تا هر وقت که برگردیم

وقتی که واژه‌ها نیز شهید می‌شوند...

زهرا حسینی

غسان کنفانی  
ترجمه: موسی اسوار  
ناشر: انتشارات آگاه



سیاست است. او معتقد است که صهیونیسم ادبی قبل از صهیونیسم سیاسی رخ داده و به تدریج صهیونیسم سیاسی را بنا کرده است.

«کنفانی» نویسنده‌ای نوگراست. در قصه‌های اولیه او تأثیرات گورگی و چخوف و دیگر نویسندگان عربی هم‌نسلش مشهود است. مجموعه داستان «تا هر وقت که برگردیم»، شامل ۲۰ داستان کوتاه است که در سال ۱۹۷۳ در بیروت انتشار یافته است.

کتاب مقدمه‌ای از دکتر یوسف ادريس دارد که او خود نیز داستان‌نویس است. ادريس درباره آشنایی اش با غسان چنین می‌نویسد: «مطالعه داستان‌های کوتاه غسان هر کدام جدا از یکدیگر با مطالعه آنها در ارتباط با هم تفاوت دارد. زیرا علاوه بر این که هر کدام يك ياخته زنده است که می‌تواند قائم بر ذات باشد، وقتی در ارتباط با دیگر کارهای او قرار می‌گیرد کار به تمامی به صورت موجود زنده و اوج‌گیر درمی‌آید که بسیار بزرگ‌تر و عظیم‌تر از تمامی عناصر تکوین دهنده است.»

درونمایه اکثر داستانهای او سرگذشت کودکی پاك است که قربانی اصلی بی‌عدالتی‌هاست. در داستان نخستین «آن روز او کودک بود»، یکی از دلخراش‌ترین صحنه‌های مظلومیت تصویر می‌شود. مردمانی بی‌سلاح در اتوبوس توسط سربازان یهودی تیرباران می‌شوند... از این تعداد کودکی باقی می‌ماند که وحشت‌زده (مادر او را هم کشته‌اند) صحنه را تماشا می‌کند.

داستان «کیک بر پیاده‌رو» حکایت کودکی فقیری است که کفش واکس می‌زند. این داستان به روابط عاطفی يك کودک با معلمش می‌پردازد.

«شهید با شهادت خویش، خود به تنهایی جاودان نمی‌شود. واژه‌های او نیز با او شهید می‌شوند. و با این شهادت، از کلماتی میرا و موقتاً زنده، به واژه‌هایی همیشه زنده، همیشه صادقانه، بدل می‌گردند. واژه‌هایی روشنی‌بخش، با آمیزه‌ای اسطوره‌ای از پاکي و والایی و شکوهی نبوت‌آسا.»

آنجا که قلم قداستی دیگر می‌یابد و حماسه مظلومیت و مقاومت انگیزه اصلی نوشتن می‌شود، از بستر خلاقیت هنرمند آثاری می‌روید که چون روحش سر به آسمان جاودانگی می‌ساید.

غسان کنفانی نویسنده معاصر فلسطین «هنرمندی است اصیل و شریف که با جرات و شهامت پرده از زشتی‌های جامعه برمی‌گیرد...» و زخم کهنه آوارگی، غربت و سرگستگی انسان‌ها را به نمایش می‌گذارد.

او به انسانهایی می‌اندیشد که در زنجیره بی‌عدالتی و فقر در برابر هجومی بی‌رحمانه به تعارض‌ها و کشمکش‌های درونی و بیرونی گرفتارند.

گروهی در جدال با خویش و عده‌ای در رویارویی و مبارزه با اشغالگران هویت اصلی خویش را جستجو می‌کنند و جز به شهادت و رهایی نمی‌اندیشند.

داستان‌های «کنفانی» بر لحظاتی آنی استوار است. او با طرح مساله بازگشت به خویشستن، خواننده را به قلب میهن و ملت فلسطین می‌کشاند. از ویژگی‌های آثار «کنفانی» آمیختگی هنر و سیاست است. او ادبیات را يك سلاح می‌داند، سلاحی که شاید مؤثرتر و کارسازتر از سلاح

معلم که با دیدن کودک دوران کودکی خویش را به یاد می‌آورد، رنج او را درمی‌یابد.

دیگر داستان‌های مجموعه هر کدام به نوعی قربانیان دو نسل را به تصویر می‌کشد نسل گذشته که در فکر سازش و مصالحه است و نسل جوان که در جستجوی مبارزه و آزادی تلاش می‌کند.

در داستان «حامد دیگر به قصه‌های عموها گوش نمی‌دهد»، این تقابل به خوبی تصویر می‌شود. حامد که در اثر انفجار تانک شنوایی‌اش را از دست داده، نصیحت‌های عمو را مبنی بر گریز از شهر نمی‌شنود. عمو که سعی دارد او را از جنگیدن باز دارد، با شنیدن صدای پای سربازان از ترس به خود می‌لرزد.

در داستان‌های غسان از استعاره و نماد بسیار استفاده می‌شود. داستان‌های او صمیمی و بی‌پیرایه است. گفتنی است که «غسان کنفانی» در سال ۱۹۷۲ بر اثر انفجار يك بمب در ماشین شخصی‌اش به شهادت رسید. □